

درس خارج فقه استاد هادی عباسی خراسانی

جلسه صد و بیست و دوم، ۳۱ خرداد ۱۴۰۱

موضوع: مسائل مستحدثه (بورس) مسائل مستحدثه (بورس) / جمع بندی نهایی مسائل بورس / تطبیقات فقهی بورس و حکم هر مسئله

### 1- حدیث اخلاقی (گامها و منازل سیر و سلوک در خطبه متقین)

قال علی (علیه السلام): «تَرَاهُ قَرِيباً أَمَلُهُ، قَلِيلاً زَلَلُهُ، حَاشِعاً قَلْبُهُ، قَانِعَةً نَفْسُهُ، مَنزُوراً أَكَلُهُ، سَهْلاً أَمْرُهُ، حَرِيْزاً دِينُهُ، مَيِّتَةً شَهْوَتُهُ، مَكْظُوماً غَيْظُهُ. الْخَيْرُ مِنْهُ مَأْمُولٌ، وَالشَّرُّ مِنْهُ مَأْمُونٌ. إِنْ كَانَ فِي الْعَافِيْنَ كُتِبَ فِي الدَّاكِرِيْنَ، وَإِنْ كَانَ فِي الدَّاكِرِيْنَ لَمْ يُكْتَبْ مِنَ الْعَافِيْنَ. يَغْفُو عَمَّنْ ظَلَمَهُ، وَيُعْطِي مَنْ حَرَمَهُ، وَيَصِلُ مَنْ قَطَعَهُ، بَعِيداً فُحْشُهُ، لَيِّناً قَوْلُهُ، غَائِباً مُنْكَرُهُ، حَاضِراً مَعْرُوفُهُ، مُقْبِلاً حَيْرُهُ، مُدْبِراً شَرُّهُ. فِي الزَّلَازِلِ وَقُورٌ، وَفِي الْمَكَارِهِ صَبُورٌ، وَفِي الرَّخَاءِ شَكُورٌ. لَا يَجِيفُ عَلَى مَنْ يُبْغِضُ، وَلَا يَأْتِمُّ فِيمَنْ يُحِبُّ. يَعْتَرِفُ بِالْحَقِّ قَبْلَ أَنْ يُشْهَدَ عَلَيْهِ، لَا يُضِيعُ مَا اسْتُحْفِظَ، وَلَا يَنْسَى مَا دُكِّرَ، وَلَا يُنَابِزُ بِالْأَلْقَابِ، وَلَا يُضَارُّ بِالْجَارِ، وَلَا يَشْتَمُ بِالْمَصَائِبِ، وَلَا يَدْخُلُ فِي الْبَاطِلِ، وَلَا يَخْرُجُ مِنَ الْحَقِّ. إِنْ صَمَتَ لَمْ يَغْمَهُ صَمْتُهُ، وَإِنْ صَحِكَ لَمْ يَغْلُ صَوْتُهُ، وَإِنْ بُغِيَ عَلَيْهِ صَبَرَ حَتَّى يَكُونَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي يَنْتَقِمَ لَهُ. نَفْسُهُ مِنْهُ فِي عَنَاءٍ، وَالنَّاسُ مِنْهُ فِي رَاحَةٍ. أَتَعَبَ نَفْسَهُ لِإِخْرَجَتِهِ، وَأَرَاخَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ. بُعِدَهُ عَمَّنْ تَبَاعَدَ عَنْهُ زُهْدٌ وَنَزَاهَةٌ، وَدُنُوهُ مِمَّنْ دَنَا مِنْهُ لِينٌ وَرَحْمَةٌ. لَيْسَ تَبَاعُدُهُ بِكَبْرٍ وَ عَظَمَةٍ، وَلَا دُنُوهُ بِمَكْرٍ وَخَدِيْعَةٍ [1].»

قال: فصعق همام صعقة كانت نفسه فيها. فقال أمير المؤمنين (عليه السلام): «أَمَا وَاللَّهِ لَقَدْ كُنْتُ أَخَافُهَا عَلَيْهِ. ثُمَّ قَالَ: أَهَكَذَا تَصْنَعُ الْمَوَاعِظَ الْبَالِغَةَ بِأَهْلِهَا؟ فَقَالَ لَهُ قَائِلٌ: فَمَا بِالكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؟ فَقَالَ (عليه السلام): وَيْحَكَ، إِنَّ لِكُلِّ أَجَلٍ وَقْتًا لَا يَعْدُوهُ، وَ سَبَبًا لَا يَتَجَاوَزُهُ. فَمَهْلًا، لَا تَعُدْ لِمِثْلِهَا، فَإِنَّمَا نَفَثَ الشَّيْطَانُ عَلَى لِسَانِكَ [2].»

در اصف سالکان، فرمایش حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) را دنبال می‌کردیم که بهترین دستور العمل است؛ به خصوص در این روزهای پایانی سال تحصیلی که اندوخته‌های گذشته را جمع می‌کنیم و برای آموزش و پرورش آینده ذخیره می‌کنیم. راه بسیار مغتنم و راه بسیار شفاف است.

1-1-1، منزل ۵۰ تا ۵۸: آرزوی کوتاه، لغزش کم، قلب خاشع، نفس قانع، اعتدال در خوراک،

کم هزینه بودن، توان مندی در دین، کنترل شهوت و غضب

« • تراه قليلا أمله» از اوصاف متقین این است که آرزوهای آنها نزدیک به برآورده شدن است. ما در معارف دینی، چیزی در مدح طول الأمل نداریم، ولی در مدح نفس الأمل را داریم. آرزوی طولانی، مطلوب نیست. پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمودند: «الأمل رحمة لأمتي، و لولا الأمل ما رضعت والدة ولدها، و لا غرس غارس شجرا»؛ [3] حضرت می فرمایند: آرزو رحمت برای امت من است؛ اگر آرزو نبود، نه مادری بچه اش را شیر می داد و نه کشاورزی باغبانی می کرد و درختی می کاشت. دنیا به امید زنده است. امید خوب است امید همان امل و آرزو است. ولی طول آرزو خوب نیست. متقین کسانی هستند که آرزوهای آنها نزدیک به برآورده شدن است. آرزوهای ممکن دارند.

« • قليلا زلله»؛ لغزشهای اینها بسیار کم است. به قدری با تأمل و احتیاط و مراقبت حرکت می کنند که لغزشهای شان کم است.

« • خاشعا قلبه»؛ قلبهای اینها خاشع است.

« • قانعة نفسه»؛ نفوس اینها قانع است. قناعت خیلی مهم است. قناعت بر اساس روایات مالی است که تمام نمی شود [4].

« • منزورا أكله»؛ نسبت به خوراک، اعتدال دارند.

« • سهلا أمره»؛ امور آنها آسان است. خفیف المؤمنه هستند. هزینه های اینها کم است. نسبت به دیگران اهل تجمل نیستند.

« • حريزا دينه»؛ نسبت به دین شان توانایی و قوت دارند.

« • ميتة شهوته»؛ شهوت های شان هم کنترل کردند. شهوت مرده هستند.

« • مكظوما غيظه»؛ ناراحتی و غضب های شان را کنترل کرده اند.

اینها اوصافی است که امیرالمؤمنین (علیه السلام) در این بخش از خطبه بیان می فرمایند. بعد حضرت در ادامه می فرمایند:

### 1-2-1، منزل ۵۹ و ۶۰: انتظار خیر داشتن از آنها و ایمنی دیگران از شر آنها

« • الخیر منه مأمول»؛ متقین همیشه خوبی از آنها مورد نظر است.

« • و الشر منه مأمون»؛ بدی از آنها دور است. رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) فرمودند: «ألا أنبئکم لما سمی المؤمن مؤمنا؟ لإیمانہ الناس علی أموالهم و أنفسهم [5].» چون مردم بر اموال و نفوس شان مؤمن را امین می دانند.

### 1- 1.3، منزل ۶۱ و ۶۲: توجه به خدا در بین غافلین و ذاکرین

«ان كان في الغافلين كتب في الذاکرين و إن كان في الذاکرين لم يكتب من الغافلين»؛ اینها طوری هستند که اگر در میان غافلان باشند، دلشان متوجه خداست و اگر در میان ذاکرین باشند، اینها از غافلین شمرده نمی‌شوند.

هرگز وجود حاضر و غایب شنیده‌ایمن در میان جمع و دلم جای دیگر است [6]

پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمودند: «كمثل النحلة إن صاحبته نفعك و إن شاورته نفعك و إن جالسته نفعك و كل شأنه منافع. و كذلك النحلة كل شأنها منافع [7].»

مثل انسان مؤمن مانند زنبور عسل است. مشاوره یعنی کنجاوی، نه مشاوره اصطلاحی؛ گرچه آن را هم شاید شامل شود. زنبور عسل، سودآور است.

### 1- 1.4، منزل ۶۳، ۶۴ و ۶۵: عفو از ظالم، عطا کردن به کسی که عطا نکرده و ارتباط گرفتن

#### با قهرکنندگان

« • يَعْفُو عَمَّنْ ظَلَمَهُ، وَيُعْطِي مَنْ حَرَمَهُ، وَيَصِلُ مَنْ قَطَعَهُ؛ از کسانی که ظلم کردند، می‌گذرد و کسی که محروم شده، عطا می‌کند و با کسی که قطع رحم کرده، وصل می‌کند. از امام زین‌العابدین علیه‌السلام درباره مکارم و محاسن اخلاقی نقل شده است که ایشان می‌فرمایند: «إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ جَمَعَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى الْأَوْلِيْنَ وَ الْأَخْرِيْنَ فِي صَعِيدٍ وَاحِدٍ ثُمَّ يُنَادِي مُنَادٍ أَيْنَ أَهْلُ الْفَضْلِ- قَالَ فَيَقُومُ عُنُقُ مِنَ النَّاسِ فَتَلْقَاهُمْ الْمَلَائِكَةُ فَيَقُولُونَ وَ مَا كَانَ فَضْلُكُمْ فَيَقُولُونَ كُنَّا نَصِلُ مَنْ قَطَعَنَا وَ نُعْطِي مَنْ حَرَمَنَا وَ نَعْفُو عَمَّنْ ظَلَمَنَا قَالَ فَيُقَالُ لَهُمْ صَدَقْتُمْ اَدْخُلُوا الْجَنَّةَ [8].»

﴿ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ﴾ [9]. بدی را به بهتر جواب دهید.

### 1- 1.5، منزل ۶۶ تا ۷۱: فحاشی نکردن، نرم‌زبانی، دور بودن کار زشت از ایشان، حاضر بودن

#### کار نیک نزد ایشان، جلو بودن از خوبی‌ها و عقب بودن بدی‌ها از ایشان

« • بَعِيداً فُحْشُهُ، لَيْتِنَا قَوْلُهُ، غَائِباً مُنْكَرُهُ، حَاضِراً مَعْرُوفُهُ، مُقْبِلاً خَيْرُهُ، مُدْبِراً شَرُّهُ؛ اینها کسانی هستند که صحبت زشت از آنها دور است. زبان‌شان نرم است. امور زشت از آنها دور است. نیکی‌شان حاضر است. خیرات پیش روی آنها است. شر از آنها دور است؛ یعنی همین «هم أهل الفضائل» که در اول خطبه فرمودند.

### 1- 1.6، منزل ۷۲، ۷۳ و ۷۴: استواری در حوادث، صبر در مشکلات و شکر در آسانی‌ها

• در آخر فرمودند: «فی الزلازل وقور و فی المکاره صبور و فی الرخاء شکور»؛ اینها در حوادث استوار هستند و در موقع مشکلات صبر می کنند و در غیر مشکلات هم شکور هستند بلکه به جایی می رسند که در تمام حالات شکور هستند. این خصوصیات انسان های با تقوا است.

1-7-1، منزل ۷۵ و ۷۶: ظلم نکردن به کسی که از او ناراحت هستند و گناه نکردن به خاطر دوستان

• « لَا يَحِيفُ عَلَى مَنْ يُبْغِضُ، وَلَا يَأْتُمُ فِيمَنْ يُحِبُّ »؛ اینها به جایی می رسند که به تعبیر حضرت امیر (علیه السلام) که می فرمایند: نسبت به کسی که ناراحت هستند، ظلم نمی کنند و در حق کسی که دوست دارند، به گناه نمی افتند.

1-8-1، منزل ۷۷، ۷۸ و ۷۹: اعتراف به حق، امانت دار و فراموش نکردن تذکرات دیگران

• « يَعْتَرِفُ بِالْحَقِّ قَبْلَ أَنْ يُشْهَدَ عَلَيْهِ، لَا يُضِيعُ مَا اسْتُحْفِظَ، وَلَا يَنْسَى مَا ذُكِّرَ »؛ قبل از اینکه بر علیه او شهادت داده شود اینها به حق شهادت می دهند. آنچه را به او سپرده اند، ضایع نمی کنند و آنچه را به آن تذکر داده اند، فراموش نمی کنند.

1-9-1، منزل ۸۰، ۸۱ و ۸۲: به کار نبردن القاب زشت، پرهیز از همسایه آزاری و شماتت نکردن دیگران در مصیبت های شان

• « وَلَا يُنَابِزُ بِالْأَلْقَابِ، وَلَا يُضَارُّ بِالْجَارِ، وَلَا يَشْمَتُ بِالْمَصَائِبِ »؛ صحبت های زشت ندارند و همدیگر را بد صدا نمی زنند. خوبی را فراموش نمی کنند و همسایگان را آزار نمی رسانند. اگر کسی مصیبت زده شد، به رخ شان نمی کشند.

1-10-1، منزل ۸۳ و ۸۴: داخل نشدن در باطل و خارج نشدن از حق

وَلَا يَدْخُلُ فِي الْبَاطِلِ، وَلَا يَخْرُجُ مِنَ الْحَقِّ؛ باطل گرا نیستند و حق گرا هستند.  
﴿وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ﴾ [10]. این توصیه های حضرت است.

1-11-1، منزل ۸۵، ۸۶ و ۸۷: سکوت بدون غصه، خنده بدون قهقهه و صبر بر ظلم دیگران  
سه صفت دیگر:

• « إِنَّ صَمْتَ لَمْ يَغْمَهُ صَمْتُهُ، وَإِنْ صَحِكَ لَمْ يَغْلُ صَوْتُهُ، وَإِنْ بُغِيَ عَلَيْهِ صَبْرٌ حَتَّى يَكُونَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي يَنْتَقِمُ لَهُ. » «درباره رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) در روایت داریم: «کان ضحکهُ التَّبَسُّمُ»؛ [11] خنده ایشان به صورت تبسم بود، نه قهقهه. و إن بغی علیه صبر حتی یكون الله هو الذی ینتقم له؛ اگر ظلم به او شود صبر می کند، تا خدا از جانب او انتقام بگیرد.

1- 1.12، منزل ۸۸ تا ۹۱: به زحمت انداختن خود، به زحمت نیانداختن دیگران، زحمت برای آخرت و راحتی دیگران از او

• نَفْسُهُ مِنْهُ فِي عَنَاءٍ، وَالنَّاسُ مِنْهُ فِي رَاحَةٍ. أَتَعَبَ نَفْسَهُ لِإِخْرَتِهِ، وَأَرَاحَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ؛ خودشان را به زحمت می‌اندازند، اما مردم را به زحمت نمی‌اندازند. خودشان را برای آخرت‌شان به سختی می‌اندازند، ولی مردم از آنها در راحتی هستند و از آنها رنجی تحمل نمی‌کنند.

1- 1.13، منزل ۹۲ تا ۹۵: دوری از دیگران از روی زهد، نزدیکی به دیگران از روی رحمت، تکبر نکردن با دوری از مردم و خدعه نزدن با نزدیک شدن به مردم

• بُعْدُهُ عَمَّنْ تَبَاعَدَ عَنْهُ زُهْدٌ وَنَزَاهَةٌ، وَدُنُوهُ مِمَّنْ دَنَا مِنْهُ لِينٌ وَرَحْمَةٌ. لَيْسَ تَبَاعُدُهُ بِكِبَرٍ وَ عَظَمَةٍ، وَلَا دُنُوهُ بِمَكْرٍ وَخَدِيعَةٍ؛ دوری او از برخی مردم، از روی زهد و پارسایی، و نزدیک شدنش با بعضی دیگر از روی مهربانی و نرمی است. دوری او از تکبر و خود پسندی، و نزدیکی او از روی حيله و نیرنگ نیست.

1- 1.14، دو عکس‌العمل متفاوت در پایان این خطبه: تأثیرپذیری فوق‌العاده همام و عروج بهشتی او، و در مقابل اعتراض منافقین به حضرت

• وقتی به این مرحله می‌رسند، «قال فصعق همام صعقة فكان نفسه فيها». همام فریادی می‌زند و جان می‌دهد. حضرت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) فرمودند: «أَمَا وَاللَّهِ لَقَدْ كُنْتُ أَخَافُهَا عَلَيْهِ. ثُمَّ قَالَ: أَهَكَذَا تَصْنَعُ الْمَوَاعِظُ الْبَالِغَةَ بِأَهْلِهَا؛ من می‌دانستم این برنامه برایش پیش می‌آید به همین خاطر تعلق کردم. ثُمَّ قَالَ: أَهَكَذَا تَصْنَعُ الْمَوَاعِظُ الْبَالِغَةَ بِأَهْلِهَا؛ موعظه‌های رسا این گونه بردل می‌نشینند. همیشه منافقین و کذاب‌ها و معاندین و مشرکین و شایعه‌پراکن‌ها همیشه در مقابل امام می‌ایستند، «فقال له قائل: فما بالك يا أمير المؤمنين؟» گفت چرا شما این گونه وصف کردید، ولی خودتان این گونه نشدید؟ فقال عليه السلام: وَيْحَكَ، إِنَّ لِكُلِّ أَجَلٍ وَقْتًا لَا يَعْدُوهُ، وَ سَبَبًا لَا يَتَجَاوَرُهُ. فَمَهْلًا، لَا تَعُدْ لِمِثْلِهَا، فَإِنَّمَا نَفَثَ الشَّيْطَانُ عَلَى لِسَانِكَ؛ وای بر تو، هر آجلی وقت معینی دارد که از آن پیش نیفتد و سبب مشخصی دارد که از آن تجاوز نمی‌کند. آرام باش و دیگر چنین سخنانی نگو، که شیطان آن را بر زبانت رانده است.

1- 1.15، نتیجه این خطبه: لزوم سیر و سلوک بر اساس فرمایشات امیرالمؤمنین (علیه‌السلام)

حضرت در این خطبه نمونه عینی سالک را نشان دادند که این گونه راه بروید و محکم باشید. از طنزها و متلک‌ها و از بداخلاق‌ها و از سوء تدبیرها ناراحت نشوید و راه را ادامه دهید. انسان عابد و زاهد و عارف نتیجه‌اش این است که ﴿فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَى صَعِقًا﴾؛ [12] همان‌طور که تجلی حضرت حق برای یاران حضرت موسی علیه‌السلام بود،

تجلی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام هم برای همام بود. این مسیر سیر و سلوک است. باید مسیر سیر و سلوک را با جدیت پیمود تا ان شاء الله همه ما به نتیجه مطلوب برسیم.

از خدا در این روز پایانی درس می‌خواهیم ان شاء الله ما را همنشین و بلکه جزء متقین قرار دهد و بلکه بالاتر ﴿وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا﴾ [13]. ان شاء الله به پیروی از حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام)، امام متقین باشیم. رب أنعمت فزد. انسان نباید در کمالات، توقف داشته باشد.

### 1-16، کیفیت برنامه‌ریزی و عمل بر اساس خطبه متقین

سؤال: آیا باید بر اساس همین خطبه پیش رفت، یا وصف حال خود انسان؟

جواب: بهترین راه این است که انسان اوصاف را از این خطبه بگیرد و بعد ببیند کدام وصف را دارد و کدام را ندارد. آنچه دارد تقویت کند و آنچه ندارد در خود ایجاد کند.

اعزه من! این اوصاف را با این مسیری که حضرت بیان کردند، روی کاغذ بیاورید. البته من نظرم این است که شاید در خود خطبه حضرت هم ترتیبی باشد که حضرت از اجمال به تفصیل آمدند. اول فرمودند: «إتق الله و أحسن»؛ بعد فرمودند: «هم أهل الفضائل»؛ بعد یکی یکی اهل فضائل را توضیح دادند. شاید به نیاز همام، وصف متقین همین بود. ما اوصاف سالکان را با توجه به سالکان متعدد و دارای اجمال و تفصیل می‌دانیم. مراحل سیر و سلوک هم متفاوت است؛ لذا برخی ۳ مرحله، برخی ۷ مرحله، برخی ۱۰۰ مرحله و برخی ۱۰۰۰ مرحله می‌دانند. معرفت ادراک جزئی است و هرچه انسان بیشتر برود، معرفتش بیشتر می‌شود و این فرق بین عارف و عالم است.

### 2- خلاصه جلسه گذشته

در ادامه مباحث بورس بودیم. در این جلسه دیگر باید کلیات مباحث بورس را تطبیق فقهی کنیم و ببینیم از جهت فقهی معاملاتی که در بورس واقع می‌شود، مجاز است، یا خیر؟ به بحث شرکت‌ها رسیدیم. شرکت‌های عام و خاص داریم. سهام عادی و سهام ممتاز و ویژه داریم که در سهام ممتاز و ویژه، خدمات خاصی دارد. چنانچه در سهام و خرید و فروش سهام برای کارگزاران که با وکالت در بورس معامله می‌کنند، منع‌هایی در جلسه گذشته گفتیم؛ از جمله اینکه عقود، منعی نداشته باشند؛ ربوی و غرری نباشد، کالای حرام نباشد، قراردادهای غیر جایز نباشد و طرف‌های قرارداد، اشخاص محجور و مفلس نباشند. اگر این خرید و فروش‌ها عقلایی نباشد، جایز نیست. مشارکت در سهام جایز است، به شرطی که اگر خرید و فروش شاخص است، مرتبط با اعیان باشد. ولی اگر شاخص‌های فرضی باشد، اگر عقلا برای این فرض هم تشخص و عینیتی قائل باشند؛ مثلاً نوسان و کاهش و افزایش سهام را خرید و فروش

کنند، این هم خودش اعتباری است؛ به نظر عقلای بورس معتبر باشد شاید وجه شرعی داشته باشد اگر منع شرعی نداشته باشد.

### 3- تطبیقات فقهی بحث بورس و احکام هر مسئله

#### 3-1-3، مشارکت در سهام

#### 3،1-3.1.1-3، معانی مشارکت و منظور از مشارکت سهام در بورس

مشارکت در سهام دو متعلق و معنا دارد:

مفهوم شرکت این است که کارخانه‌ای که مثلاً ۱۰۰ سهم دارد، ۱۰۰ نفر، یا ۵۰ نفر، یا کمتر یا بیشتر نفر به تفاوت پولی که می‌دهند، مشارکت می‌کنند و خرید و فروش می‌کنند. اگر کارخانه سودآور باشد، اینجا دو سود نصیب صاحب سهام می‌شود: یکی سود نفس عین سهام و دیگری افزایشی که سهام دارد.

#### 3،1-3.1.2-3، جواز خرید و فروش افزایش یا کاهش سهام در صورت تأیید عقلا

حالا بحث در این است که آیا می‌شود افزایش یا کاهش سهام را با توجه به سهام خرید و فروش کرد؟ ما می‌گوییم این بحث، عقلایی است؛ اگر عقلاً اعتبار برایش قائلند درست است. ما اعتبار را به عینیت نمی‌دانیم؛ به اعتبار می‌دانیم؛ مانند منشأ اعتبار پول که ذاتی نمی‌دانستیم و اعتباری می‌دانستیم. هر قراردادی که شرایط مخصوص عقد مستحدث را داشته باشد، جزء مسائل مستحدثه است.

#### 3،1-3.1.3-3، دو معنای مسائل مستحدثه و نظر مختار در این تقسیم

ما خیلی از قراردادهای بورس را جزء مسائل مستحدثه می‌دانیم. مراد از مستحدثه، دو چیز است: گاهی مسائل مستحدثه، آن معامله جدیدی که هیچ نمونه شرعی ندارد، ولی نمونه عقلی دارد ولی منع شرعی ندارد. گاهی هم مسائل مستحدثه به مسائلی می‌گوییم که در ظاهر جدید است، ولی اگر در عقود قدیم جستجو کنیم، تحت عنوان یکی از عقود شرعی است. ما مسائل مستحدثه را این می‌دانیم که در قدیم نبوده و قراردادهای نو است و تازه پیدا شده و مقبولیت عرفی و عقلایی دارد - با فرقی که بین عرف و عقلا است؛ بین سیره و ارتکاز فرق است - و این معاملات، معمولاً قابل انطباق با عقود قدیم نیستند و به طور خاص یا عام نهی هم از جانب شارع نرسیده است؛ یعنی غرری و ضرری و ربوی نیست. ممنوع و محجور هم نیست. با این شرایط، این معاملات، مستحدثه است.

#### 3-3.2-3، جواز خرید و فروش در شرکتهای سهامی عام و خاص با تأیید عقلا و منع نکردن شارع

خیلی از خرید و فروش‌ها را در شرکت‌های سهامی عام یا حتی شرکت‌های سهامی خاص، اگر خرید و فروش شود و نزد عرف و عقلا رایج باشد و مقبولیت داشته باشد و عقلا بپسندند و انطباق با معاملات شرعی نداشته باشد و نهی و ردعی از جانب شارع نباشد، منع شرعی ندارد. اگر نمونه قدیمی داشت که راحت‌تر است. این مجاز بودن معاملات در بورس را از باب ضرورت نظام اقتصاد اسلامی می‌دانیم. و قاعده عسر و حرج هم می‌گوید این معاملات باید انجام شود تا مردم در عسر و حرج نیفتند. معاملات سنتی جواب نمی‌دهد. ابزارهای معاملات این قدر زیاد شده است که هر روز در حال تجدید است. به قول سید یزدی رحمه‌الله «و حصر المعاملات فی المعهودات ممنوع»؛ [14] یعنی حصر عقلی ندارد و حصر شرعی هم ندارد. بلکه نامحدودیت شرعی دارد. البته منافات ندارد که حد شرعی داشته باشد. حد شرعی غیر از حصر شرعی است. حدود شارع بیان شده است. و الشارع محدود. شارع موسس در عقود نیست. هر جا خرید و فروشی انجام شود از طریق بورس و بازار اوراق بهادار چه عرضه اولیه و چه غیر آن با ارز دیجیتال یا غیر آن که مورد اعتبار عقلا باشد، مشروعیت دارد.

### 3-3-3، مشروعیت خلق پول با ارزهای دیجیتال در صورت عدم ممنوعیت دولتی و عقلایی و

#### شرعی

نسبت به مزرعه ارزهای دیجیتال هم اگر منع دولتی نداشت و منع عقلایی نداشت، اشکالی ندارد. زمان قدیم، خلق پول در اختیار خود مردم بود. طلا ساز و کسانی که طلا و نقره را قالب می‌زدند، سکه می‌ساختند. ارزش پول، ذاتی بود. زرگری رایج و پردرآمد بود. الآن زرگری، مصرفی است، ولی آن زمان تولیدی بود. خلق پول، دست زرگران است. الآن گاهی تورم، دست اینها است.

الآن خلق پول جایز است، یا خیر؟

اگر خلق پول رایج شود و دولت‌ها نظارت داشته باشند و مقبولیت داشته باشد، اشکال ندارد. نیاز نیست خلق پول در اختیار دولت‌ها باشد، مانند تورم که فقط علت آن دولت‌ها نیست. مزرعه ارز دیجیتال اگر اعتبار عقلایی داشت، منعی بر مالکیت نیست. البته اگر مزرعه ارز دیجیتال، حقوق دیگران را ضایع کند و مصرف برق را بالا ببرد، یا منع دولتی داشته باشد و مبنای فقیه این باشد که قانون دولت را قانون شرع بداند، تبعیت از این قوانین دولتی هم شرعا واجب است. در قسم منع شرعی می‌افتد، چون منع قانونی دارد. ما ایجاد پول را مختص دولت‌ها نمی‌دانیم. برخی زمان‌ها دست دولت و برخی زمان‌ها دست مردم است و گاهی هر دو.

### 3-3-4، جواز معاملات با سهام به شرط داشتن علم اجمالی به سهام



کالایی اگر مالیت و اعتبار عقلایی داشت و نسبت به سهام هم جاهل نباشیم که معامله غرری لازم نیاید، ولو به علم اجمالی، نه علم تفصیلی، معامله اشکال ندارد.

### 3-3.5، جایز نبودن معاملات هرمی در بورس

کسانی که در بورس داخل یا خارج معامله می‌کنند، باید مراقبت کنند شرعی باشد. اگر کسی نمی‌داند سهام شرعی است یا غیر آن، احتیاط در پرهیز است؛ ولی تا نمی‌داند، منعی ندارد. معمولاً معاملاتی که روی نوسان است، اگر تبدیل به معاملات هرمی شود، مصداق قمار است و جایز نیست، ولی اگر جزو مصادیق قمار نباشد و دلالت و بنگاهداری و بازاریابی است، معامله با ارز دیجیتال و غیر آن اشکال ندارد.

### 3-3.6، جایز بودن معامله با سهام ممتاز و ویژه

اگر شرکتی گفت هر کس این سهام را تا این تاریخ بخرد، این قدر سهام دیگر را جایزه می‌دهیم، این جایزه گرفتن، اشکال ندارد. سهام ویژه است. معادل سهام، چه ریال، چه دلار، چه ارز دیجیتال باشد، اشکال ندارد.

### 3-3.7، جایز نبودن معاملات کالی به کالی و معامله با کالای حرام

معاملات در بورس از مصادیق بیع کالی به کالی (دین به دین) نباشد. اعیان تشخیصی را باید خرید و فروش کنند. اعیانی که برای طرفین مشخص باشند. از کالاهای محرم نباشد.

### 3-3.8، حرام بودن تبانی در بورس

نکته مهم دیگر اینکه باید در بورس، تبانی صورت نگیرد. تبانی حرام است. تبانی در معاملات دیگر هم حرام است؛ مثلاً این دو نفر تبانی کنند، تاجر سوم را به زمین بزنند. تبانی در بورس بیشتر بین حقوقی‌ها است، تا حقیقی‌ها؛ به خصوص حقوقی دولتی‌ها. به دولت جدید تذکر می‌دهیم که اقتصاددان‌های امین را روی کار بگذارند. طوری نباشند که شرفزده و سوسیالیسم شوند و یا غربزده و کاپیتالیسم. انسان مالکیت و سود را نفی نمی‌کند. تحدید ثروت را به رعایت عقود اسلامی می‌دانیم.

### 3-3.9، جواز خرید و فروش ردیابی سهام

گاهی سهمی را دنبال می‌کنند و با علم خود خرید و فروش می‌کنند و سود می‌برند یا نمی‌برند. این تدارک، یا عامل کاری را به دیگری خرید و فروش می‌کنند. شما تخصص ندارید و پول دارید. در اختیار کسی می‌دهید و وکیلش می‌کنید. سهامی را دنبال می‌کند و سود می‌کند. سود را خرید و فروش می‌کند، اگر علم اجمالی داشت، اشکال ندارد. سرمایه‌گذار به متخصص اعتماد می‌کند.

اگر واگذار به آگاهی کارگزاران و عامل کاران و کسانی که بورس را اداره می کنند، با راهنمایی و ردیابی سهامی که دارند، اشکال ندارد؛ مثلاً می گویند گاهی روزها سهامی را رصد می کنیم و گذشته اش را و آینده اش را رقم می زنیم؛ این کار مانند یک منجم است که از کیفیت حرکت ستارگان، اموری را در آینده پیش گویی می کند؛ یا مانند استنباط یک فقیه که از ادله به حکم شرعی می رسد. برخی کسانی که در بورس کار می کنند گاهی کار آنها از کارگزاران هم بالاتر است. اگر معاملات هر می نباشد، اشکالی ندارد.

### 3- 3.10، جواز معامله در بازار بورس جهانی (فارکس) در صورت عدم منع شرعی

فعالیت در بازار فارکس که بورس جهانی است، اگر با معاملات ما تطابق داشت، اشکال ندارد. توصیه می کنیم کسانی که در بازار جهانی وارد می شوند، از شرکت هایی که آلات قمار و امور حرام را معامله می کنند، پرهیز کنند. ما ﴿أَوْفُوا بِالْعُقُودِ﴾ را عام می دانیم و شامل معامله با غیر مسلمانان هم می شود. اگر قرارداد بست، باید عمل کند؛ این برای همه مکلفین است. اگر دچار حرمت نشوند، اشکال ندارد. بورس جهانی دقت بیشتری می خواهد.

### 3- 3.11، تفصیل در حکم معامله در بازار جهانی با ربات و جواز آن بنا بر نظر مختار

آخرین سخن اینکه الآن معامله ها به فرمان مکلف انجام می شود، ولی به اعمال غیر مکلف و توسط ربات ها انجام می شود. امروز در بازار جهانی گاهی ربات، خرید و فروش می کند. چه عامل، چه کارگزار اصلاً خودش وارد عمل نمی شود. او خواب است، ولی ربات در حال معامله است. اگر ما مبانی برخی علما را داشته باشیم که حتماً ایجاب و قبول باید بر اساس ذوی العقول و مکلف باشد، اشکال دارد. برخی از فقها بین شرکت های حقوقی و افراد حقیقی فرق می گذاشتند. با افراد حقیقی، معامله را جایز و با حقوقی، جایز نمی دانستند. به نظر ما اگر ابزاری بود که در عرف با آن انجام می شود و دقت و سرعتش از انسان بیشتر است، اشکال ندارد. حتی معامله توسط ربات در ردیابی سود، اشکال ندارد. یا مثلاً به رایانه فرمان می دهد که تا فلان ساعت خرید و فروش کن، یا با این سود بفروش، یا با این ضرر نفروش. مدار ضرر را با نرم افزار می توانند اداره کنند.

### 3- 3.12، تفصیل در معامله در بازار جهانی برای عالم و جاهل

دو روش معاملاتی در فارکس هست: روش بنیادی و روش تکنیکی؛ این ها مختلف است. چه خودشان دنبال کنند، چه نه. اگر به جهل باشد، اشکال دارد و اگر علم آور باشد، اشکال ندارد. باید دید قیمت ها معرف اطلاعات هست، یا نیست. تغییرات، باعث ایجاد جهل می شود، یا خیر؟ متخصصین از پیشینه سهام، آینده آن را به دست می آورند. جهل تبدیل به علم می شود.

باید قائل به تفصیل شد؛ برای آنانی که پیش‌بینی می‌کنند، جایز است و برای آنها که نمی‌توانند، جایز نیست.

### 3-3.13، خطوط قرمز شرعی معامله در بازار جهانی

کلاهبرداری در بازارهای جهانی خیلی بیشتر است. باید میزان اعتبارات، هرمی نشود. وابسته به شرکتی که بازاریابی می‌کنند، نشود. تبدیل به قمار نشود. اکثر بازارهای جهانی، هرمی است و جهل دارد. اسلام، مانع سود نیست. اگر معقول باشد و هرمی نباشد، اشکال ندارد. اگر طوری باشد که سرمایه‌ها قرض باشد و معامله‌گرها وام‌ها و قرض‌ها را خرید و فروش کنند، معامله کالی به کالی است و حرام است. خطوط قرمز باید حفظ شود؛ معاملات ربوی و غرری و جاهلانه و هرمی و اکل مال به باطل نباشد.

منع دیگر در بورس جهانی این است که خروج ارز از کشور است. اگر دولت مردان ممنوع کنند، باید رعایت شود. ارزهای دیجیتال اگر مورد اعتبار باشد، اشکال ندارد و تولیدش هم اشکال ندارد؛ به شرطی که منع قانونی نداشته باشد که گاهی مساوی با منع شرعی است. خلق پول منحصر در دولت‌ها نیست. در ارز دیجیتال باید ابهام‌زدایی شود.

### 4-چند پیشنهاد به مسئولین بورس

دولت‌ها از فقهای جوان آشنا به عقود اسلامی استفاده کند، تا آنها قبل از انعقاد عقود، نظارت کنند.

به همه دست‌اندرکاران در بورس توصیه به رعایت مسائل شرعی و عقود اسلامی می‌کنیم. به امید روزی که دولت‌مردان برای همه کسانی که می‌خواهند در بورس داخلی و بورس جهانی معامله کنند - که قوانین اسلامی، جهانی است و همه را به وجوب عقلی، نه شرعی شامل می‌شود - با پشتیبانی فقها نظارت کنند، تا قوانین را رعایت کنند. به تعبیر حضرت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام): «الفقه ثم المتجر [15]».»

تقاضای دیگر اینکه به طلبه کوچکی که در این موضوع، کار کرده، اطمینان دهند به کسانی که وارد می‌شوند، با آرامش خاطر بیایند. تبانی نشود. راه آن هم شفاف‌سازی در انعقاد و ایجاد معاملات و سود سهام است. جهل و غرر هم برطرف می‌شود.

بر شما باد به استنباط مسائل مستحدثه.

- [1] نهج البلاغة، الدشتي، محمد، ج ١، ص ٢٠٥، خطبه ١٩٣.
- [2] نهج البلاغة، الدشتي، محمد، ج ١، ص ٢٠٦، خطبه ١٩٣.
- [3] سفينة البحار و مدينة الحكم والآثار، القمي، الشيخ عباس، ج ١، ص ١٢١.
- [4] نهج البلاغة، الدشتي، محمد، ج ١، ص ٣٢٦، حكمت ٥٧.
- [5] بحار الأنوار - ط دارالاحياء التراث، العلامة المجلسي، ج ٦٤، ص ٦٠.
- [6] سعدى، ديوان اشعار، غزليات، غزل شماره ٦٣.
- [7] بحار الأنوار - ط دارالاحياء التراث، العلامة المجلسي، ج ٦١، ص ٢٣٨.
- [8] الكافي - ط الاسلامية، الشيخ الكليني، ج ٢، ص ١٠٧.
- [9] مؤمنون/سوره ٢٣، آيه ٩٦.
- [10] معارج/سوره ٧٠، آيه ٣٤.
- [11] بحار الأنوار - ط دارالاحياء التراث، العلامة المجلسي، ج ٤٩، ص ٩١.
- [12] اعراف/سوره ٧، آيه ١٤٣.
- [13] فرقان/سوره ٢٥، آيه ٧٤.
- [14] العروة الوثقى - جماعة المدرسين، الطباطبائي اليزدي، السيد محمد كاظم، ج ٥، ص ٣٣٠.
- [15] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ١٧، ص ٣٨١، أبواب آداب التجارة، باب ١، ح ١، ط آل البيت.